شهید بهشتی یک ملت بود

شهید سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۶۰-۱۳۰۷ ش)، عالم مجاهد و فعال قبل و پس از انقلاب اسلامی و از شاگردان علامه طباطبائی بود. ریاست دیوان عالی کشور، دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی و عضویت در مجلس خبرگان، از مهمترین مسئولیتهای شهید بهشتی بود. او در راه تعالی اسلام فعالیت ها و رشادت های فراوان نمود و سرانجام همراه جمعی از یاران وفادارش، در دفتر مرکزی حزب جمهوری، توسط منافقین به شهادت رسید.

نام کامل سید محمد حسینی بهشتی
زادروز ۱۳۰۷ شمسی
زادگاه اصفهان
وفات ۱۳۶۰ شمسی
مدفن تهران
اساتید
آیت الله بروجردی، علامه طباطبائی، سید محمد محقق داماد، امام خمینی...
آثار
خدا از دیدگاه قرآن، نماز چیست، نقش دین در زندگی انسان، بانکداری و قوانین مالی در اسلام...

محتویات

۱ولادت و خاندان
۲تحصیلات و استادان
۳آثار و تألیفات
۴فعالیتهای اجتماعی و سیاسی
۵ویژگی‌های اخلاقی
۶شهادت
۷پانویس
۸منابع
۹آرشیو عکس و تصویر

ولادت و خاندان

سید محمد حسینی بهشتی دوم آبان ۱۳۰۷ شمسی در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از روحانیون اصفهان و امام جماعت مسجد لُنبان بود و به کارهای مذهبی مردم می پرداخت و برای تبلیغ و رسیدگی به مسائل شرعی، به روستاهای اطراف اصفهان می رفت و به فعالیت دینی، سخنرانی و بیان احکام مشغول بود و نماز جماعت اقامه می کرد و مشکلات آنان را برطرف می ساخت.

مادرش نیز زنی پاکدامن و پرهیزکار بود و در انجام احکام شرعی و آداب اسلامی دقت نظر داشت. این بانوی محترم دختر حضرت آیت الله حاج میر محمدصادق خاتون آبادی از مراجع بزرگوار و محققان صاحب نام بود.

تحصیلات و استادان

سید محمد کودکی چهار ساله بود اما با همسالان خود تفاوت داشت. اخلاق نیک او حکایت از آینده درخشانش می کرد. ایشان تحصیلات را در چهار سالگی در مکتب خانه ای آغاز نمود. خیلی سریع خواندن و نوشتن و روخوانی قرآن را فرا گرفت. تا این که بعدها به دبستان دولتی رفت و هنگامی که امتحان ورودی از او گرفتند، گفتند باید به کلاس ششم برود ولی از نظر ما نمی تواند. بنابراین او را برای کلاس چهارم پذیرفتند. پس از آن که تحصیلات دبستانی را به پایان رساند. در امتحان ششم ابتدایی شهر، نفر دوم شد. سپس به دبیرستان سعدی رفت و سال اول و دوم را در دبیرستان گذراند. [۱]

در ۱۴ سالگی (۱۳۲۱ ش.) تحصیلات دبیرستان را نیمه تمام می گذارد و به یکباره مسیر زندگی اش عوض می شود و شوقی برای حضور در حوزه علمیه احساس می کند و به جرگه حوزویان درمی آید تا با استفاده از فضای معنوی این پایگاه پاک، راه سعادت را در پیش گیرد.

سید محمد بهشتی چهار سال در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت و در این مدت کوتاه با پشتکار فراوان و استعداد درخشانی که داشت دروسی را که باید در مدت هشت سال خوانده شوند، در مدت چهار سال به پایان رساند و در ۱۸ سالگی برای تکمیل تحصیلات عالی و به دست آوردن دانستنی های تازه به شهر مقدس قم عزیمت کرد تا در جوار پربرکت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و در محضر استادان گرانقدر، فیض کسب کند.

در مدرسه حجتیه در حجره ای ساده سکنی گزید و به درس و بحث مشغول گشت و با دوستانی چون شهید مطهری و امام موسی صدر آشنا شد و در مدت شش ماه بقیه دروس سطح (مکاسب و کفایه) را به پایان رساند و در سال ۱۳۲۶ در درس خارج فقه و اصول شرکت کرد. در همین سال با همفکری دوستانی چون شهید مطهری برنامه ای به منظور تبلیغ مذهبی در روستاهای دور افتاده، تنظیم کردند.

او با این که در سال دوم دبیرستان تحصیلاتش را نیمه تمام گذاشته و به سوی حوزه شتافته بود، دوباره تصمیم گرفت که همزمان با درس‌های حوزوی، فراگیری دروس ناتمام گذشته را نیز ادامه دهد. با کوشش فراوان و استعداد سرشار خویش آن دو مسیر علمی را با هم ادامه داد، به طور که در سال ۱۳۲۷ موفق به اخذ دیپلم ادبی گشت و در همان سال وارد دانشکده منقول و معقول (الهیات و معارف اسلامی کنونی) شد و در رشته فلسفه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ دانشنامه لیسانس در رشته فلسفه شد.

ایشان پس از اخذ لیسانس از تهران به قم مراجعت نمود و در درس خارج فقه و اصول شرکت جست و به موجب علاقه فراوانی که با مباحث فلسفی و عقلی داشت در درس «اسفار» و «شفا» علامه طباطبائی حضور یافت و از شاگردان همیشگی آن درس بشمار می آمد و در شب های پنجشنبه و جمعه با شهید مطهری و دیگر دوستان جلسه گرم و پرشوری برپا کردند که نتیجه آن به صورت کتاب ارزشمند «اصول فلسفه و روش رئالیسم» با پاورقی‌های شهید مطهری تنظیم و منتشر گردید.

از دیگر استادان وی در قم، عبارت بودند از: آیت الله بروجردی، سید محمد محقق داماد، امام خمینی و شیخ مرتضی حائری یزدی.

پس از پنج سال تحصیل و تدریس در شهر مقدس قم، در سال ۱۳۳۵ وارد دانشکده الهیات شد و تا سال ۳۸ در آن دانشکده مشغول تحصیل در دوره دکترا بود، ولی پس از اتمام تحصیل در آن دانشکده به خاطر فعالیت‌های چشمگیر فرهنگی، تبلیغی و سیاسی که در داخل و خارج کشور به عهده داشت، نتوانست رساله دکترای خویش را ارائه دهد و این امر به تأخیر افتاد. سرانجام در تاریخ ۱۳۵۳/۱۱/۱ رساله دکترای خود را تحت عنوان «مسائل ما بعدالطبیعه در قرآن» با راهنمایی استاد شهید مرتضی مطهری ارائه و از آن دفاع کرد و موفق به اخذ دکترا در رشته فلسفه شد.

آثار و تألیفات

آیت الله بهشتی در عرصه قلم نیز پرجستگی داشت و به رغم فعالیت های گسترده و مسئولیت های فراوانی که عهده‌دار بود، در زمینه نویسندگی نیز موفقیت خوبی داشته است. آثار قلمی ایشان از دو جهت حایز اهمیت است:

الف. با توجه به اهمیت موضوع به رشته تحریر درآمده است؛ همچون کتاب «نماز چیست؟» از آن جا که نماز ستون دین است و قوام ایمان بر این پایه استوار است و پذیرفتن اعمال، به این مهم بستگی دارد و بالاخره نردبانی برای رسیدن به بام بلند بندگی است.

ب. با توجه به ضرورت موضوع نگارش یافته است. ایشان با توجه به شرایط زمان و مکان و بر اساس نیاز جامعه - و نه در یقین - در زمینه معینی به تحقیق و تألیف پرداخته و به منظور تفنن چنین کاری انجام نداده است. مثلاً درباره مسأله بانکداری اسلامی، که یک بحث مهم و مورد نیاز جامعه ماست و کمتر بدان توجه شده است، کتابی در این زمینه می نگارد و از نظر اسلام به بررسی مسأله می پردازد.

آثار چاپ شده ایشان عبارتند از:

تعدادی از آثار تازه منتشر شده شهید بهشتی
خدا از دیدگاه قرآن
نماز چیست؟
شناخت
شناخت دین
نقش دین در زندگی انسان
کدام مسلک؟
روحانیت در اسلام و در میان مسلمین
مبارزه پیروز
بانکداری و قوانین مالی در اسلام
مالکیت

برخی دیگر از آثار ایشان هنوز چاپ نشده است و شورای احیای آثار آن بزرگوار در تلاش است که در آینده آن آثار را که اکنون به صورت نوار سخنرانی موجود است، منتشر سازد.

فعالیتهای اجتماعی و سیاسی

تدوین کتب درسی:

زمانی که سردمداران وابسته به غرب بر آن بودند که جامعه اسلامی ایران را به یک جامعه مادی غربی تبدیل کنند و با گذشت زمان، دین را به دست فراموشی سپارند. در چنین دورانی حساس دکتر بهشتی با همکاری دکتر باهنر در بخش برنامه‌ریزی کتاب‌های وزارت آموزش و پرورش به تهیه و تدوین کتاب دینی برای مدارس اقدام کرد و از این طریق نگذاشت گرد غربت بر روی این گوهر گرانبها بنشیند و نسل جوان را به فرهنگ غنی اسلام آشنا ساخت. [۲]

سازماندهی حوزه علمیه:

این اندیشمند ژرف بین برای آینده ای روشن برنامه ریزی می کرد و چاره این مهم را در ایجاد تحول در حوزه می دید. بدین خاطر در سال ۱۳۳۹ به فکر سازماندهی درست و دقیق برای حوزه افتاد و با همفکری دوستانش به این نتیجه رسید که باید تحولی اساسی توأم با نوعی برنامه‌ریزی اصولی انجام گیرد تا طلاب تحت یک برنامه منظم و مدون در آیند و در آینده برای جامعه مؤثر و مفید واقع شوند.

بدین منظور با همکاری شهید قدوسی و دعوت از اساتید بزرگواری چون حضرات آیات مشکینی، مصباح یزدی و جنتی، اقدام به تشکیل مدرسه حقانی نمودند و آن را به مثابه پایگاه مهمی برای تربیت طلاب متعهد و انقلابی قرار دادند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نیز آن نهاد پاکی که دکتر بهشتی و شهید قدوسی نشاندند، به بار نشست و آثار مفید و مؤثری در این انقلاب عظیم داشت.

شهید بهشتی در بین دانش آموزان دبیرستان «دین و دانش» قم

تأسیس دبیرستان:

اولین حرکت فرهنگی ایشان در آن زمان تأسیس بود که به کمک برخی از دوستانش شکل گرفت و خود مسئولیت آن را عهده دار گشت؛ تا دانش آموز و دانشجوی مکتبی، دین و دانش را دو مقوله مجزا ندانند، بلکه این دو را با هم فراگیرد، زیرا دین و دانش انفکاک ناپذیرند. او این گونه بذر ایمان و انقلاب را در سرزمین افکار نسل جوان می پاشید تا اینان نوید سحری را به گوش جان جامعه برسانند و فجری برای طلوع خورشید صبح سعادت باشند. [۳]

دبیرستان حکیم نظامی قم
ردیف نشسته، از سمت چپ: آقایان ۱. دکتر اشراقی ۲. دکتر سادات ناصری ۳. دکتر مصفا ۴. دکتر بهشتی ۵. آل یاسین ۶. دکتر گویا ۷. دکتر فقیهی ۸. جزی ۹ و ۱۰ محمد غروی ۱۱ ایستاده ردیف اول: ۱. جزی ایستاده ردیف دوم: ۱. یوفری

تبلیغ دین:

در سال ۱۳۴۴ برای انجام رسالت تبلیغی به آلمان سفر کرد تا امام جماعت مسجد و تکمیل ساختمان مسجد و اداره امور مسلمانان فارسی زبان و رسیدگی به دانشجویان مسلمان مقیم آن جا را به عهده گیرد. وی در مسجدی که آیت الله بروجردی برای مسلمانان ساخته بود، مشغول فعالیت های مذهبی و فرهنگی شد و با تشکیل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان فارسی زبان و «مرکز اسلامی هامبورگ» پایگاهی مهم برای جذب اندیشه ها و هدایت آنان به وجود آورد. [۴] البته فعالیت‌های ایشان در مدت پنج سال اقامت در آنجا منحصر به موارد یاد شده نبود، بلکه ایشان با تمام گروه‌ها ارتباط برقرار کرد و دامنه فعالیت هایش را در سطح اروپا گسترش داد.

مسجد شیعیان هامبورگ آلمان

مهندسی انقلاب:

پس از آن که انقلاب اسلامی ایران در آستانه پیروزی قرار گرفت، حضرت امام خمینی آن روزها در پاریس پایه‌های حکومتی اسلامی را طرح ریزی می نمودند و بدین منظور شورای انقلاب را تشکیل دادند تا بتوانند قوانین کشور را بر طبق موازین اسلام و قرآن تنظیم نمایند. یکی از نخستین اعضای این شورا که از طرف حضرت امام انتخاب شد، دکتر بهشتی بود.

آیت الله بهشتی پس از مدتی به عنوان دبیر شورا انتخاب شد. این شورا در آن برهه حساس و سرنوشت ساز وظیفه مهمی را بر دوش داشت و منشاء خدمات فراوانی به اسلام و انقلاب گشت، به ویژه این که در آن دوران - به خاطر آشفته بودن اوضاع و نبودن قوه مقننه - این شورا نقش قانونگذاری داشت و دو وظیفه مهم را انجام می داد: یکی تصویب قوانین مورد نیاز کشور و دیگری اجرای آن قوانین که این نیز از سوی اعضای شورا یا افرادی که شورا انتخاب می کرد، انجام می شد.

مدتی نیز دکتر بهشتی از طرف شورای انقلاب به دادگستری رفت تا به بازسازی این تشکیلات قضایی بپردازد و قضات انقلابی و متعهد را بکار گیرد. حضور ایشان در این مورد نیز چون گذشته مؤثر افتاد.

تأسیس حزب جمهوری:

در آن روزهای حساس و سرنوشت ساز انقلاب، در برابر آن همه حزب سیاسی منحرف، وجود یک تشکل اسلامی پیرو راه امام برای پاسداری از ارزش ها ضروری بود. در آن زمان دکتر بهشتی که همواره معتقد به نظم و برنامه‌ریزی و تشکیلات بود، با صلاحدید حضرت امام خمینی در فروردین سال ۱۳۵۸ حزب جمهوری اسلامی را با همفکری و همکاری آیت الله خامنه‌ای و دیگر دوستان تأسیس کرد تا پایگاهی برای سازماندهی نیروهای مسلمان و متعهد و معتقد به ولایت فقیه باشد. آیت الله بهشتی تا هنگام شهادت به عنوان دبیر کل حزب جمهوری اسلامی انجام وظیفه می نمود. [۵]

تدوین قانون اساسی:

پس از آن که مجلس خبرگان توسط نمایندگان منتخب مردم تشکیل شد، دکتر بهشتی نایب رئیس مجلس خبرگان بود و بیشتر جلسات مجلس خبرگان به ریاست ایشان برگزار می شد. این مدیر دلسوز نظام، به رغم مشغله کاری فراوان، با تلاش و کوشش فوق العاده و با همفکری و همکاری یاران دلسوز امام و انقلاب، قانون اساسی جمهوری اسلامی را تدوین کردند؛ که به تأیید امام و تصویب امت رسید. قانون اساسی در واقع خون‌بهای انقلاب اسلامی بود.

دکتر شهید بهشتی نایب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی

یکی دیگر از اقدامات ایشان، روشن کردن جایگاه ولایت فقیه در این نظام مقدس بود. گرچه بعضی از لیبرال ها و ملی گرایان همچون بنی صدر خائن با آن مخالفت می کردند ولی آیت الله بهشتی با دلایل و براهین مستند به مخالفان جواب می داد. و سرانجام اصل ولایت فقیه در مجلس تصویب شد.

در سنگر عدالت:

پس از استقرار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی مسئولیت دیوان عالی کشور (بالاترین مقام قضایی کشور) را در اسفند ماه ۱۳۵۸ به دست با کفایت آیت الله بهشتی سپرد. [۶] تا برای این تشکیلات حیاتی که نقش مهم و تعیین کننده ای در جامعه دارد، زمینه اجرای قوانین اسلام با درک و درایت والای ایشان فراهم گردد و عدل و قسط در جامعه رواج یابد. ایشان نیز در طول مدت عهده داری این مسئولیت خطیر و شریف، منشاء خیر و خدمت گشت و امور قضایی کشور را سروسامان داد و آن را انسجام بخشید و با بکارگیری قضات عادل و عالم، نظام قضایی را دگرگون ساخت. آن همه تلاش بی وقفه او در این قوه فراموش نشدنی است و به راستی که او مظهر عدالت علوی بود.

ویژگی‌های اخلاقی

الف) نماز اول وقت:

یکی از ویژگی‌های بارز آیت الله بهشتی، توجه فراوان به نماز بود هیچ گاه چیزی نمی توانست ایشان را از نماز اول وقت بازدارد. هنگام نماز، کارها را رها می ساخت و به سوی تکلم با خدا می شتافت و اگر چنانچه جلسه ای بود و موقع نماز فرامی رسید یادآوری می کرد که موقع نماز است، برای عبادت خدا خودمان را آماده کنیم.

ب) فروتنی:

شهید باهنر درباره تواضع و فروتنی او چنین گفته است: «خصلت های ایشان ممتاز بود. ایشان در عین آن متانت و ابهتی که داشت - به لحاظ آن مقام و شخصیت - در عین حال، حالت تواضع و برخورد بسیار مؤدبانه‌ای پر از احساس و عاطفه همراه با روان شناسی اصیل ژرف اسلامی داشتند. جلسات ایشان معمولاً همراه با صفا و نشاط بود و صداقت کاملی در قضاوت‌ها و اظهارنظرهایشان به چشم می خورد، اعتماد می آورد و اطمینان می بخشید». [۷]

ج) حق پذیری:

از دیگر صفات نیک آن عالم ژرف اندیش پذیرفتن حق بود، حتی اگر به ضرر او تمام می شد. همین که می فهمید سخنی حق است، آن را می پذیرفت. و این بیانگر صفای روح آن اسوه اخلاق است. [۸]

د) نظم:

زندگی او سراسر نظم بود و موفقیت چشمگیرش بیشتر در گرو نظم بوده و بدین وسیله این مسیر را با موفقیت پیموده است. همسر ایشان در این باره می گوید: «دکتر بسیار منظم بودند، هر چند ایشان یک مرد سیاسی بودند و در جلسات زیاد شرکت می کردند، چیزی که من از وی به یاد دارم این است که امکان نداشت دیرتر از موقع مقرر در جلسه ای حاضر شود و به هر وسیله ای که بود در ساعت مقرر خودشان را به محل مورد نظر می رساندند. وی می گفت: «ما تا نظم در کارهایمان نداشته باشیم، نمی توانیم کارهای مملکت را پیش ببریم». [۹]

هـ) بردباری:

از دیگر صفات پسندیده آن گوهر گرانبها، صبر در مقابل ناملایمات بود. هرگاه با مشکلی مواجه می شد عصبانی نمی گردید، بلکه با صبر و متانت آن را حل می کرد. همسر ایشان می گوید: «من خصوصیتی را که از ایشان در مدت ۲۹ سال زندگی دیدم، ملایمت و صبر بود. ایشان به قدری صبر و ملایمت و متانت به خرج می داد که انسان را خجالت زده می کرد. در سرتاسر زندگی این مرد مبارز و باتقوا حتی یک مورد عصبانیت بی مورد به یاد ندارم». [۱۰]

و) در خانه:

در کارهای خانه به همسرشان کمک می کرد و به درس بچه ها رسیدگی جدی می نمود. از وضع درسی و مشکلاتشان می پرسید و به آن ها کمک می کرد. به دلیل نظارت ایشان در منزل اسراف و استفاده بی حد و حصر کمتر مشاهده می شد، برای ساخته شدن بچه ها به آن ها پول به عنوان قرض الحسنه می داد تا از حقوق ماهیانه آن ها، که معادل ده برابر سنشان بود، کم کند. در تربیت بچه ها، نه آن ها را بی بندوبار و لوس بار می‌آورد و نه خشن و بسیار جدی. شوق به نماز و روزه و دیگر واجبات را در بچه‌ها به طور اختیاری ایجاد می کردند. [۱۱]

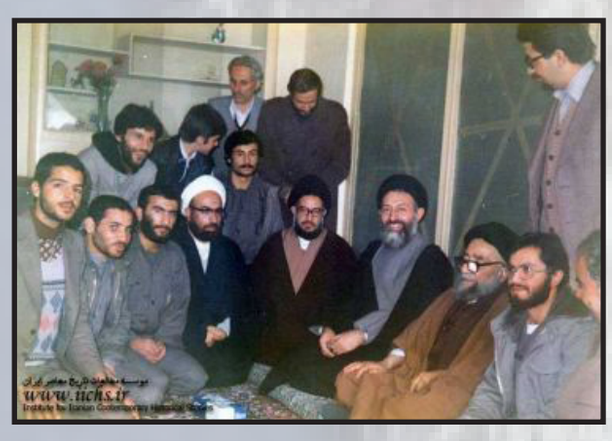

شهادت

آمریکا و منافقین به خوبی می دانستند که آیت الله دکتر بهشتی یکی از ارکان این نظام مقدس اسلامی است و نقش مهم و تعیین کننده ای دارد و باید از ایشان شروع کرد. آن ها وجود او را نیز مانعی در راه رسیدن به اهداف شومشان می دیدند و برای نیل به مقاصدشان اقدام به ترور شخصیتش نمودند. البته طراح اصلی این برنامه استعمار بود و منافقین مجریان طرح بودند و استعمار نیز هدفش آن بود که مشروطه‌ای دیگر تکرار گردد.

مقبره شهید بهشتی و یاران شهیدش

منافقین برای انجام این هدف استعماری، شخص و شخصیت دکتر بهشتی را نشانه گرفتند و با تهمت هایی چون انحصار طلب، سرمایه دار و... سعی در خدشه دار کردن شخصیت ایشان داشتند و با این کارشان می‌خواستند او را از صحنه انقلاب خارج سازند. گرچه در واقع هدف ترور شخصیت دکتر بهشتی نبود، بلکه اینان زمینه را برای کنار زدن روحانیت فراهم می کردند. [۱۲]

در روز حادثه (هفتم تیر ۱۳۶۰)، او مثل همیشه با تبسمی بر لب، به دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی آمد و در جلسه اعضای حزب جمهوری شرکت کرد. جلسه با قرائت قرآن آغاز شد و پس از آن، سخنرانی قافله سالار شهدای هفت تیر شروع شد، که ناگهان با انفجاری که به دست سازمان مجاهدین خلق روی داد، آیت الله بهشتی (در ۵۳ سالگی) و بیش از هفتاد یار باوفایش به درجه شهادت نایل آمدند. پیکر مطهر ایشان را پس از تشییع باشکوه، در بهشت زهرای تهران به خاک سپردند.

پانویس

۱. یادنامه شهید مظلومه، سید فرید قاسمی، ص ۱۷.
۲. همان، ص ۴۵.
۳. روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۳۶۲، ص ۱۲.
۴. او به تنها یک ملت بود، واحد فرهنگی بنیاد شهید، دفتر اول، ص ۴۳.
۵. همان، ۱۸ تیر ۱۳۶۳.
۶. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۷۹.
۷. مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲.
۸. ر.ک: همان، ص ۱۴.
۹. همان، ص ۱۳.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ص ۱۵.
۱۲. ر.ک: روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ تیر ۱۳۶۳؛ ۷ تیر ۱۳۶۹؛ ۱ تیر ۱۳۷۲.